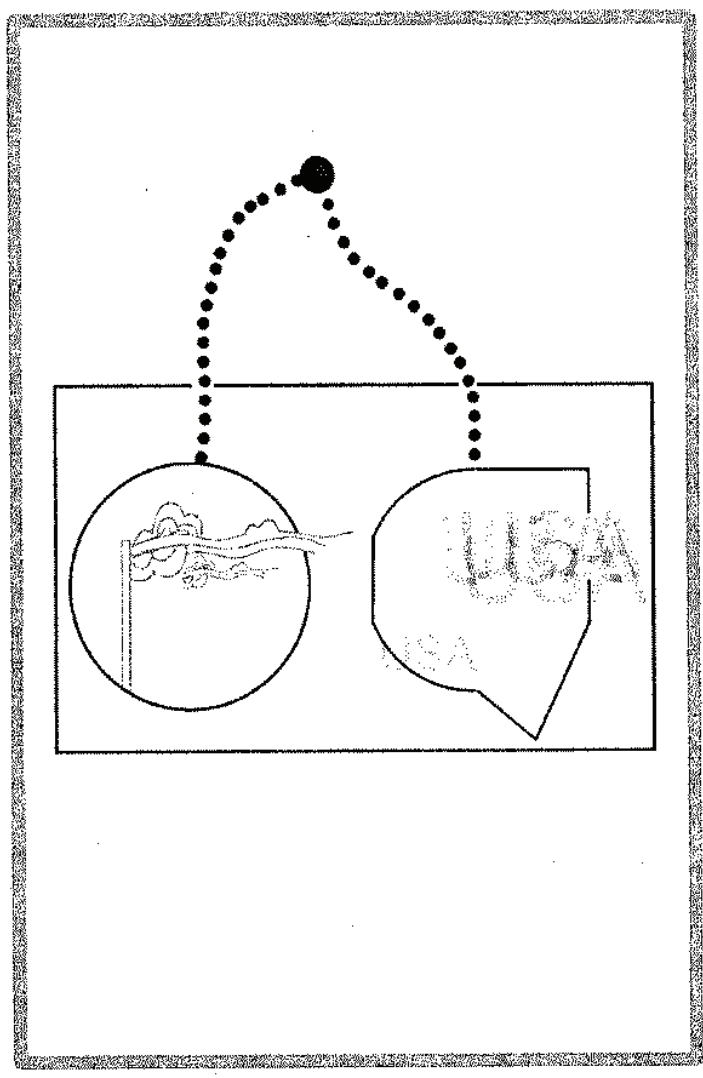


<p>مقایسه دو آموزه: جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی</p>	<p>دکتر بهرام اخوان کاظمی</p>
<p>مقایسه دو آموزه: جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی</p>	<p>دکتر بهرام اخوان کاظمی</p>

مقایسه دو آموزه: جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی



مقایسه دو آموزه: جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی

دکتر بهرام اخوان کاظمی



آزادی

حاج میرزا محمد
باقر

ما به احوال شما آگاهیم
و هیچ خبری از شما بر ما
پوشیده نیست.

احتجاج تلبرسی ج ۲ ص ۴۱۲

اشاره:

این مقاله با تبیین مفهوم و برداشتهای مختلف از پدیده روزافزون جهانی شدن یا جهانی سازی به مقایسه دو آموزه «جهانی سازی مهدوی» با «جهانی سازی غربی» پرداخته و با تشریح ویژگی و شاخصه‌ها، و تبعات هر یک، - بویژه در آموزه دولت جهانی مهدی (عج) - برتری الگوی آرمانی جهانی سازی مهدوی برای نجات بشریت و حیات هستی را به شیوه مستدل و طی سه گفتار نمایان می‌سازد و آموزه جهانی سازی غربی یا آمریکایی را به دلیل ماهیت مادی، یک طرفه، سلطه‌گرانه، استکباری و امپریالیستی، مردود می‌شمارد و آن را نفی می‌کند.

مقدمه

جهانی شدن یا جهانی سازی¹، پدیده‌ای انکار ناپذیر در عالم امروز است و با پیشرفت‌های روزافزون بشری بویژه در عرصه علوم، فناوری، ارتباطات و اطلاعات، حمل و نقل و... جهان هر روز بیش از پیش به سوی تحقق تدریجی این امر گام بر می‌دارد. نوشتار حاضر در سه گفتار اصلی، با تبیین مفهوم و برداشتهای مختلف از این فرایند، معتقد است که در حال حاضر، ماهیت اصلی پدیده جهانی شدن، «غربی» و بویژه «آمریکایی» است که در بطن آن سلطه‌گری، استکبارورزی، استثمار و امپریالیسم جدید نهفته است و اگرچه نمی‌توان از بسیاری جوانب مترقی و ایجابی آن چشم پوشید اما تبعات و پیامدهای منفی و ویرانگر آن نیز برای بشریت و آحاد جامعه جهانی غیرقابل انکار است.

مقاله حاضر با اشاره به این پیامدهای منفی، معتقد است آموزه و پدیده جهانی سازی در اساس، پدیده لازم و مثبتی است و باید از این راهبرد به نحو احسن سود جست و با اصلاح آفات و اعمال صحیح، آن را در خدمت بشریت قرار داد، همانطور که ادیان الهی و بویژه اسلام و حتی مصلحین بشری، جملگی جهانی اندیشیده‌اند و همچنانکه آموزه‌های قرآنی و روایی اسلامی نیز خود را به صورت جهانشمول مطرح کرده‌اند.

طرح حکومت حضرت مهدی و جهانی سازی مهدوی نیز در حقیقت راهبرد آرمانی و نهایی جهان وطنانه اسلامی و نسخه درمان جامعه بشری از آلام، حرمانها و تنگناهای بی‌شمار

خویش است. مقاله حاضر، با مقارنه جهانی سازی مهدوی با جهانی سازی غربی، ویژگی ها و شاخصه های هر دو - بویژه عصر مهدوی - را تبیین نموده و با استدلالهای لازم، برتری بی چون و چرای الگوی جهانی سازی مهدوی را برای نجات بشریت و حیات هستی، نمایان می سازد. در این راستا پژوهش حاضر قصد دارد به پرسش های زیر پاسخ گوید:

۱. جهانی شدن یا جهانی سازی به چه مفهومی است و چه برداشتهایی از آن وجود دارد؟ تبعات مثبت و منفی آن کدام است؟ و ماهیت واقعی جهانی سازی امروزی چیست؟
 ۲. آیا اسلام و ادیان الهی نیز دارای رسالت جهانشمول و جهانگرا بوده اند؟
 ۳. نهضت و آموزه جهانی سازی مهدوی واجد چه ویژگیها و شاخصه هایی است؟ و وجوه تمایز و برتری آن نسبت به سایر آموزه های جهانی سازی در چه شاخصه ها و خصائصی نهفته است؟ مفروض این نوشتار را نیز به اجمال می توان اینگونه طرح نمود:
- «با وجود جوانب مثبت پدیده جهانی سازی، ماهیت اصلی و فعلی این پدیده؛ غربی و بخصوص آمریکایی، سلطه ورزانه و استکباری است، در حالیکه نهضت و آموزه جهانی مهدوی، الگوی آرمانی و راهبردی برتر و متعالی است و نجات بشریت و حیات هستی را با خواست و اراده الهی به ارمغان خواهد آورد.»

۲ گفتار اول - مفهوم جهانی شدن و برداشتهای مختلف از آن

مبحث اول - مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی

جهانی شدن بدون شک یکی از متداولترین اصطلاحات دهه حاضر در جهان و پدیده ای جدی، جاری، در عرصه کنونی و دهه های آینده است. روزنامه نگاران، سیاستمداران، مدیران تجاری، دانشگاهیان و سایرین با به کار بردن این اصطلاح قصد دارند نشان دهند که پدیده ای ژرف در حال وقوع است، جهان در حال تحول است و نظم نو در عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی ظهور می یابد. اما به کارگیری این اصطلاح در موارد بسیار مختلف، توسط افراد متفاوت و برای اغراض گوناگون، چندان فراوان است که تعیین موضوع مورد بحث در جهانی شدن، کارکردهای این اصطلاح و اثراتش بر نظریه و سیاست معاصر را دشوار نموده است. بنابراین به رغم تداول مصطلح جهانی شدن یا جهانی سازی، هنوز تعریف جامع و مانع و با

زوایا و ابعاد روشن و محسوس برای این مفهوم جدید و دستخوش تحول که عمر آن نیز کمتر از دو دهه است ارائه نشده است.^۱ البته تعاریف متعددی در این باب عرضه شده مثلاً در تعریفی بسیط، جهانی شدن را با چرخش آزاد سرمایه، نیروی کار و اطلاعات تعریف کرده‌اند یا آن را برای توصیف روندی به کار می‌برند که در آن اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می‌دهند و به خلق یک بازار تازه جهانی، سازمانهای سیاسی فراملی و فرهنگی جهانی تازه دست می‌زنند. به نظر اینان دورنمای جهانی شدن، گسترش بازار جهانی سرمایه‌داری، زوال دولت ملت، گردش پرشتابتر کالاها، انسانها، اطلاعات و قالبهای فرهنگی است و از منظری دیگر، به معنای شکوفایی جوامع مدنی، عامل کاهش موانع در راه تجارت آزاد و تعمیق وابستگی متقابل است و به یکسان سازی و یا مشابه کردن کشورها و فرهنگهای جهان می‌انجامد. در این راستا با توسعه ماهواره‌ها، گسترش نظام‌های ارتباطی و الکترونیکی و افزایش رسانه‌ها و کاربرد اینترنت و ازدیاد کانالهای تلویزیونی و نفوذ فرامرزی آنها، مرزهای ملی از بین رفته و یا کمرنگ می‌شود. کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی حاکم می‌شود. طی همین فرایند، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود. بدین ترتیب می‌توان جهانی شدن را به فرایندهایی تعریف کرد که بر اساس آن همه مردم جهانی در جامعه‌ای واحد و فراگیر به هم می‌پیوندند و این مفهوم در نمایی عام عبارت است از «در هم ادغام شدن» بازارهای جهانی در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و جابه‌جایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب آزادی بازار و شکافته شدن مرزهای ملی، رقابت بی‌قید و شرط در سطح جهانی، بویژه در سطح قدرت‌های بزرگ، گسترش نوآوریهای تکنولوژیک، رشد روز افزون تجدد و نوگرایی، جهانی شدن تولید و مبادله و در این راستا گذر از اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی، حرکت از جامعه صنعتی به جامعه

۱. خوشبختانه کتب و مقالات بیشماری حتی به زبان فارسی درباره پدیده جهانی شدن به رشته تحریر در آمده است به عنوان نمونه رک:

- گس هال، سام وب و... روندهای اخیر جهانی شدن و آلترناتیوهای واقعی آن، ترجمه: هما احمدزاده و احمد جوهریان، تهران، پژوهنده، ۱۳۸۱.

- سمیر امین، سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن، ترجمه: ناصر زرافشان، تهران، آگاه، ۱۳۸۰.

- سرزلاتوش، جهانی شدن غربی سازی جهان، ترجمه: فرهاد مشتاق صنعت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

- جان آرت شولت، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه: مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

اطلاعاتی، تمرکز زدایی، توسعه فضای رقابتی مبتنی بر ائتلاف و ادغام، یکپارچگی بازارهای مالی جهانی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات زدایی و برداشته شدن ضوابط حمایت گرایانه بازرگانی داخلی و ملی.

بدین ترتیب می‌توان جهانی شدن را بر حسب تعاریف موجود، شکل‌گیری شبکه‌ای دانست که در چارچوب آن، اجتماعی که پیش از آن در کره خاکی دور افتاده و منزوی بودند، بر پایه وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند و ارتباط آنها با یکدیگر چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، بسیار نزدیک و متقارن و حتی چهره به چهره می‌گردد و هویت انسانها از سیطره یک جامعه و یک ساختار اجتماعی ثابت خارج شده و هر یک از هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه بین‌المللی متأثر خواهد گشت. کوتاه سخن آنکه بسیاری از صاحب‌نظران، ویژگی‌های عصر جهانی شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده الکترونیکی جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و مکان، گسترش جهان آگاهی، پایان جغرافیا و عصر سیبرنیتیک خلاصه کرده‌اند. دوره‌ای که روابط «فراملی» جایگزین «روابط بین‌المللی» می‌گردد و جامعه مدنی جهانی به عنوان شبکه‌ای از سازمانهایی که اهداف آرمانهایش مرز نمی‌شناسد، به عنوان مظهری از روابط فراملی آشکار می‌گردد.

مبحث دوم - برداشتهای مختلف از جهانی شدن

دیدگاهها و دریافتهای متنوعی درباره مسأله جهانی شدن وجود دارد. برخی جهانی شدن را چیزی فراتر از مرحله‌ای گذرا و موقت در تاریخ بشر نمی‌دانند. برعکس، عده‌ای دیگر آن را تبلور رشد سرمایه‌داری غرب و نوسازی تلقی می‌کنند. گروه سوم، جهانی شدن را یک تحول اساسی در سیاست جهانی قلمداد می‌کنند که فهم آن نیازمند تفکر جدیدی است.^۱

از منظر برخی صاحب‌نظران، در رهیافتهای مختلف، سه نوع جهانی شدن ملحوظ است: یکی جهان‌گرایی راستین، کامل که هم مادی و هم معنوی است و علاوه بر توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و اجتماعی و تعالی فرهنگی و انسانی را در بردارد. دیگری جهانی‌گرایی ناقص و نارسا که صرفاً اقتصادی و تک‌ساحتی است و سوم جهانی‌گرایی کاذب و سلطه‌جویانه و

۱. ر.ک: اسماعیل مردانی گیوی، «جهانی شدن نظریه‌ها و رویکردها»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، شماره ۱۶۷-۱۶۸، ص ۳۲.

تنازعی که همان جهانی‌سازی آمریکایی با ماهیتی سیاسی و سلطه‌جویانه و انحصارطلبانه است که با لحاظ آمریکا در رأس قدرت جهانی، یکه تازانه به دنبال افزایش قدرت این کشور و افزایش وابستگی جهانی به آمریکا است.^۱

اما شاید بتوان گفت که درباره فرایند جهانی‌سازی یا جهانی شدن دو دیدگاه اساسی وجود دارد: یکی دیدگاه مثبت‌نگر و دیگری منفی‌نگر. از دیدگاه مثبت، جهانی‌سازی می‌تواند با استفاده از عرصه فن‌آوری اطلاعات (IT) همانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کرده و محرومیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد یا کاهش دهد. هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی یا دست کم انسانی را بر جهان حکمفرما کند و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را در میان بشریت ایجاد نماید. جهانی‌سازی می‌تواند مردم دنیا را هم پیکر نماید تا همانند یک اندامواره در فکر صلاح و اصلاح یکدیگر برآمده و در سنگری واحد علیه تمام عوامل مُخل تکامل بشری مبارزه کنند.

اما بر مبنای دیدگاه دوم، متأسفانه فرایند جهانی‌سازی فعلی اگرچه دارای برخی فواید از موارد پیش گفته بوده است، ولی در حقیقت هدف اصلی آن، چیزی نیست جز یکپارچه کردن جهان و ادغام آن در بازار مشترک جهانی به رهبری دنیای سرمایه‌داری به سرمداری آمریکا. بازاری که همه مؤلفه‌های حیات اجتماعی، از اقتصاد و سیاست تا فرهنگ، به زبان منفعت‌طلبی و استکبارورزی ترجمه می‌شود و سلطه بی‌چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیش‌تر کشورهای دارا علیه کشورهای فقیر را به دنبال دارد. امروزه حتی برخی از اندیشمندان غربی از جهانی شدن به عنوان یک خطر و تهدید بالفعل و بالقوه در راستای «آمریکایی شدن» جهان، نام می‌برند.

به همین دلیل، برخی همانند والرش‌تاین، دان دوویچ و لستی، با نگاهی بدبینانه، جهانی‌سازی را اقتصادی‌سازی جهان و استثمارگری - استعمار شونده‌گی جهانی می‌دانند، چرا که نظریه آنان به جوهره هژمونیک، تنازعی و هابسی - داروینیستی این فرایند معطوف شده است؛ فرایندی که در حقیقت، داروینیسم جهانی را ترویج می‌کند. نظریه «سیاست قدرت» هانس مورگنتا، نظریه و بلکه راهبرد و دکترین تنازع تمدنهای هانتینگتون، سیاست جنگ صلیبی نو محافظه-

۱. ر.ک: علیرضا صدرا، «آسیب‌شناسی جهانی شدن و جهانی‌سازی با مدل جهانی‌گرایی مهدویت» قیسات، سال نهم، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۶۰.

کاران آمریکایی، اشغال، یکه‌تازی، یک‌جانبه‌گرایی، نظامی‌گری آنان تحت عنوان مبارزه با تروریسم، تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال‌گری و تجزیه‌کشورها و دولت‌ها از جمله آثار و عوامل تحقق جهانی‌سازی غربی است که مدعی جامعه جهانی تک‌قطبی و سرمایه‌سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه بوده و علاوه بر استفاده از میلیتاریسم، از شیوه‌ها و ابزارهای تازه تحمیق علمی و فرهنگی و تطمیع اقتصادی و تکنولوژیکی بهره می‌گیرد بی‌دلیل نیست که اندیشمندانی مانند پولانی، اسکات‌گری، هوتن و فرکلا نیز از این فرابرد جهانی‌سازی، با تعابیری مانند غربی‌سازی، آمریکایی‌سازی، و گاه نئوامپریالیسم در قالب نظام تازه تک‌قطبی و دهکده جهانی یاد کرده‌اند.^۱

جهانی‌سازی از نوع غربی یک پروژه تحمیلی و یک طرح مهندسی اجتماعی در سطح کلان‌سیستمی است که ایدئولوژی غربی را تحمیل می‌کند و با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری، در صدد فراگیر کردن شیوه زندگی آمریکایی و غربی کردن انسانها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سرمایه است. پیروان این نگرش، جهانی شدن را مقوله‌ای ارادی و در کنترل عده‌ای خاص می‌دانند. به زعم آنان، این اراده در حال حاضر در اختیار جهان سرمایه‌داری است می‌توان گفت که از این دیدگاه، جهانی شدن مرحله تازه‌ای از امپریالیسم است که در آغاز به صورت همبستگی ظاهر شده و اخیراً خود را در چهره جهانی نمایانده است. «شون هیلی»، به عنوان یکی از مخالفان جهانی شدن، آن را پروژه‌ای تحمیلی می‌داند و عقیده دارد که تنها حوزه‌های بخصوصی جهانی شده است. به گفته وی در خلال دهه ۹۰ نه تنها «ثروت»، جهانی نشده است، بلکه در دست عده‌ای خاص متمرکز گردیده است. تکنولوژی با آنکه بسیار تواناتر از گذشته گشته، اما جهانی نشده است و حتی رشد اقتصادی که پایه و اساس برتری تاریخی سرمایه‌داری است، صورت جهانی نیافته است.^۲

۷ مبحث سوم - ابعاد و دستاوردهای منفی جهانی‌سازی غربی (بطور اخص)

بدین ترتیب و به باور بسیاری و همانطور که مذکور شد جهانی‌سازی غربی یکی از غالب‌ترین برداشتهای نظری و عملی از اصطلاح و مفهوم جهانی شدن است به اعتقاد بسیاری، جهانی‌سازی در اساس خود مستلزم غربی شدن جهان و پوششی برای سلطه سرمایه‌داری

۱. ر.ک: همان، ص ۱۶۲.
 ۲. ر.ک: کاظم غریب‌آبادی، و... «جهانی‌شدن و تحول در مؤلفه‌های سیاست خارجی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۸۲، شماره ۱۹۳-۱۹۴، صص ۲۳-۲۴.

است. لذا این اصطلاح به طور غالب، واژه‌ای جایگزین برای گفتمانها و مصطلحاتی کهنه‌تر همانند «امپریالیسم» و نیز «نوگرایی» است. جهانی شدن به عنوان مفهوم جایگزین «امپریالیسم»، توجه ما را به سلطه کشورهای بسیار توسعه یافته بر کشورهای در حال توسعه یا سلطه شرکتهای فراملیتی بر اقتصادهای ملی و محلی معطوف می‌کند. از این گذشته جهانی شدن می‌تواند به عنوان مفهومی پوششی، وحشت جهانیان را از استعمارگرایی خنثی کند. این مفهوم می‌تواند در قالب گفتمان امپریالیسم نو، استثمار دائمی بسیاری از کشورهای دنیا توسط ابرقدرتها و شرکتهای غول‌پیکر فراملی را پنهان سازد و لذا برخی ابعاد مخرب‌تر و وحشیانه‌تر توسعه معاصر را مخفی نگاه دارد.

حتی کلیت جهانی شدن از نگاه منتقدان، نابودی سنن محلی، وابستگی مستمر کشورهای فقیر به کشورهای ثروتمند، نابودی محیط زیست، همگون شدن فرهنگها و شیوه زندگانی روزمره را به همراه می‌آورد. دامنه این منتقدان بسیار وسیع است حتی مارکسیستها، لیبرال‌ها و هواداران چند فرهنگی بودن جهان که بر تهدید حاکمیت ملی، سنن محلی و دموکراسی مشارکتی از سوی نیروهای جهانی انگشت می‌گذارند یا هواداران محیط زیست که از پیامدهای اکولوژیک مخرب جهانی شدن عنان گسیخته هراس دارند و محافظه کاران که جهانی شدن را تهدیدی برای فرهنگهای ملی و محلی و تقدس سنت به شمار می‌آورند.^۱

جهانی سازی غربی با سلطه بر اقتصاد و سیاست جهانی به دنبال امحاء ادیان و فرهنگ‌های بومی رقیب و جلوه دادن فرهنگ غربی به عنوان فرهنگ برتر بوده و بحران هویت را در عرصه سایر دول و ملتها دامن زده است. یکی از اندیشمندان غربی بنام «پتراس» تصویری که از شکل و شمایل جهانی شدن به تصویر می‌گذارد، چهره‌ای از یک نظام مبتنی بر امپریالیسم فرهنگی متکی بر سیطره مطلق اقتصادی غرب است از منظر وی اینگونه امپریالیسم فرهنگی به مفهوم اعمال نفوذ دائم و تسلط فرهنگی بر توده‌ها توسط طبقه حاکم غرب به منظور نظام بخشی مجدد به ارزش‌ها، رفتارها،



۱. ر.ک: داگلاس کلنر، «نظریه انتقادی جهانی شدن» ترجمه: حسین شریفی رهنانی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۱، شماره ۱۷۹-۱۸۰، صص ۱۲۸-۱۲۹.

نهادهای و هویت مردم استثمار شده برای همسویی با منافع طبقات استثمارگر است.^۱ دو اندیشمند دیگر یعنی «لایبیز» و «کاتز»، که جهانی شدن را به مثابه سلطه بی‌چون و چرای تمدن غرب می‌دانند بر این باورند که استیلا همان چیزی است که در لوس آنجلس بسته بندی می‌شود و سپس به دهکده جهانی ارسال می‌گردد و آن‌گاه در مغز انسان‌های بی‌گناه می‌نشیند. گفته «رابرتسون» نیز همان نگرانی‌ها را تشدید می‌کند:

جهانی شدن متضمن فشار بر جوامع، تمدن‌ها و سنت‌ها از منظر نمایش آنها روی صحنه جهانی - فرهنگی و با هدف توجه به هویت اندیشه‌ها و نمادهای مربوطه است.^۲

شایان ذکر است که جهان سرمایه‌داری به رهبری آمریکا، نیز از اندیشمندان و نظریه پردازان پر و پا قرصی نیز سود می‌برد که بشدت طرفدار نظریه جهانی سازی آمریکایی و در سایه مکتب لیبرال دموکراسی می‌باشند. از جمله به عقیده بارکر، جهانی شدن با توجه به گسترش سلطه سرمایه‌داری آمریکا، امری طبیعی و تحقق آن به سود همه مردم جهان است لذا سرمایه‌داری آمریکایی می‌بایست مردم تحت سلطه خود را قانع کند که راه و رسم آمریکایی همان پدیده‌ای است که آنان مطالبه می‌کنند و در این گیر و دار البته هژمونی آمریکا امری طبیعی و به سود همه مردم جهان است.^۳

همچنین فرانسیس فوکویا که فرجام تاریخ را در غلبه تمدن و فرهنگ آمریکایی و مکتب لیبرال دموکراسی می‌بیند با نخوتی آشکار منظر خود را از جهانی شدن آمریکایی چنین بیان می‌کند:

فرآیندی بنیادی در کار است تا الگوی تکاملی مشترکی برای کل جوامع انسانی دیکته کند. به طور فشرده، جهانی شدن چیزی شبیه تاریخ جهانی بشر در راستای دستیابی به لیبرال دموکراسی است.^۴

جالب اینجاست که این ادعاهای مغرورانه در حالی صورت می‌گیرد که امروزه شاهد بحرانهای متعددی در دنیای غرب (امریکا و اروپا) هستیم که از جمله آنها بحران معنویت، بحران مشروعیت، بحران هویت، بحرانهای اخلاقی و فساد اقتصادی، و بحران محیط زیست

۱. ر.ک: محمد قراگوزلو، «جهانی شدن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۸۱، شماره ۱۷۷-۱۷۸، ص ۸۰.
 ۲. ر.ک: همان، «جهانی شدن و تحول در مؤلفه‌های سیاست خارجی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۸۲، شماره ۱۹۳-۱۹۴.
 ۳. ر.ک: همان.
 ۴. کاظم غریب‌آبادی، و...، ص ۲۲.

قماربازان جهانی مساوی منابع مالی دو و نیم میلیارد انسان است. از سویی حجم شگفت‌انگیز قدرت و ثروت در قالب شرکت‌های چند ملیتی، به سادگی مرزهای دولتی و هویت‌های ملی را در هم می‌شکند و ارزش‌های مورد نظر را - که همان لیبرالیسم نو می‌باشد - بر جهان حاکم می‌کند. اندیشمندی بنام «خوزه دو کاسترو» در آثار گوناگون خود با آمار و ارقام ثابت کرده است که همین کرهٔ خاکی می‌تواند چند برابر جمعیت کنونی خود را نان دهد و جهان هم در آرامش و صلح دائم به سر برد. وی در کتاب «سیاه گرسنگی» جهان معاصر را چنین ترسیم کرده است:

«در عصر ما اکثریتی هستند که خوراک ندارند و اقلیتی که خواب ندارند. آیا چنین وضعیتی، دستاوردهای مستقیم جهانی سازی به شیوه غربی نیست؟ البته این ابعاد منفی تنها به حوزه اقتصادی و رفاه زدگی کشورهای «دارا» و فقر زدگی کشورهای «ندار» ختم نشده است و تخریب بنیادهای فرهنگی، ارزشی و اخلاقی آنها را نیز به دنبال داشته و دارد. از دید هورکهایمر، جهانی شدن برای بورژوازی، حکم آب برای ماهی را دارد. بنابراین بورژوازی ناگزیر است زمینه‌های فرهنگی مورد نیاز را در کشورهای مختلف بستر سازی کند، و چنین است که می‌بینیم جهانی شدن اقتصاد، از جهانی شدن فرهنگ و فروریختن ارزشها و باورها و خرده فرهنگ‌های محلی، بومی و ملی سر در می‌آورد.^۱

بدیهی است نتیجه و ابعاد منفی چنین جهانی شدنی به رفع فقر، نابرابری، تبعیض، جنگ و خشونت و... نیانجامد. باید پرسید چگونه چنین امری متوقع می‌تواند باشد؟ در حالیکه امروزه کشورهای توسعه یافته صنعتی و فراصنعتی، کمتر از بیست درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند، حال آنکه بیش از هشتاد درصد ثروت جهان را به کیسهٔ کارتلها و تراست‌های خودی ریخته‌اند؟!

باید اذعان نمود که متأسفانه دیانت حاکم مسیحی و ارباب کلیسا در جهان غرب نیز نتوانسته‌اند به مقابله لازم با تبعات منفی اینگونه جهانی سازی یکسویه و امپریالیستی پردازند همچنانکه فیلسوف فرانسوی یعنی «پیربورديو» فراتر از این ادعا، کلیسای مسیحی را به همسویی با این روند و منفعت‌خواری از این جریان ناسالم جهانی متهم کرده‌است به عقیده وی: کلیسای کاتولیک دشمن سرمایه‌داری نیست. این کلیسا مایل است مثنی از مزایای

۱. رک: همان، ص ۹۰ و ۹۶.

تولیرالیسم را از آن خود سازد و از اروپا می‌خواهد تولیرالیسم را با کاتولیسیسم در هم آمیزد. این همان سرمایه‌داری «کشیش زده» است.^۱

جالب‌تر آن است که بدانیم که متأسفانه امروزه بسیاری از تجاوزطلبی‌های آمریکا و تهاجمات این کشور به سایر کشورهای مستقل با آموزه‌های «مسیحیت بنیادگرا» و همراهی کشیشان و کلیسای این نحلّه از مسیحیت می‌باشد که به آن «صهیونیسم مسیحی»^۲ نیز گفته می‌شود که در همگرایی با صهیونیسم، معتقد به ظهور دوباره حضرت مسیح در بیت‌المقدس و نجات یهودیان و انهدام سایر ادیان، تمدنها و فرهنگهای متعارض خویش و از جمله مسلمانان بدست این منجی بوده و در این راستا هر گونه اعمال جنایت و سرکوب و قساوت را برای صهیونیسم به عنوان زمینه‌ساز ظهور منجی موعود مسیحی و ابزار دست آن توجیه می‌نمایند. بنابراین همپیمایی و همپیوندی مستحکم زمامداران آمریکایی با صهیونیسم در این راستا توجیه‌پذیر است.

با تبیین برداشتهای مختلف جهانی شدن، و بویژه ابعاد منفی پروژه جهانی سازی غربی، می‌توان به روشنی ادعا نمود که حکومت جهانی و جهان شمول حضرت مهدی علیه السلام هیچکدام از شاخصه‌های منفی پیشگفته را ندارد و ضمن برخورداری از زوایا و ابعاد مثبت «جهانی سازی»، راهبردی حقیقی، متعادل برای این طرح فراگیر است.

گفتار دوم - جهان‌گرایی و جهانشمولی اسلام

جهانی سازی یا جهان‌گرایی علاوه بر اینکه همواره یکی از اهداف مصلحین بزرگ بشری بوده است اساساً ریشه در تعالیم و رسالت ادیان بزرگ الهی دارد و می‌توان آن را یکی از اصلی‌ترین آرمان‌های همه انبیاء و ادیان بزرگ الهی و از جمله اسلام به شمار آورد^۳ بنابراین،

۱. همان، ص ۹۰.

۲. اسامی دیگری نیز برای صهیونیسم مسیحی رایج است از جمله: بنیادگرایی مسیحی، تجدید حیات یافتگان، مبلغان انجیل یا مبلغان جنگجوی انجیل، پیروان خواسته‌های مسیح یا خواسته‌های خدا، و تروریسم مقدس.

آراء و اندیشه‌های این نحلّه بنیادگرای مسیحی در کتابهایی مانند «تدارک جنگ بزرگ»، «جنگجوی انجیل»، «مبلغان جنگجوی انجیل در بستر جنگ هسته‌ای» هر سه اثر «کریس هال سل»، و دو کتاب دیگر به نامهای «زمین سیاره بزرگ مرحوم»، و «در پیشگویی‌های انجیل جای آمریکا کجاست» نوشته کشیشی به نام «هال لیندسی» آمده است.

۳. برای اطلاع بیشتر از بحث روابط اسلام و جهانی شدن معدود آثاری نگاشته شده است به عنوان نمونه ر.ک: - سید طاها مرقاطی، جهانشمولی اسلام و جهانی‌سازی (مجموعه مقالات)، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲، ج ۲.

- محمد قطب، مسلمانان و مسئله جهانی شدن، ترجمه: زاهد اویسی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۱.

- فصلنامه قیسات، شماره پاییز ۱۳۸۳؛ فصلنامه کتاب نقد، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، شماره ۲۴ و ۲۵.

این اصطلاح، واژه جدیدی نیست و در حقیقت در عصر حکومت مهدوی، حضرت مهدی علیه السلام این رسالت نبوی و هدف اولیاء الهی و ائمه طاهرین علیهم السلام را به بهترین شکل ممکن محقق خواهد ساخت و این طرح جهانی را تکمیل خواهد نمود زیرا در غیر این صورت، خاتمیت دین اسلام معنای حقیقی خود را از دست داده و به واژه‌ای بی‌معنا تبدیل خواهد شد.

ریشه‌های جهانشمولی دین اسلام در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف پذیر بودن آموزه‌های آن، و حرکت و تطابق اجتهاد آن بر مبنای مقتضیات زمان و مکان نهفته است. باید اذعان نمود که اسلام و دستورهای آن با فطرت انسانی که همان بعد ثابت حیات انسانی است هماهنگ است و به همین خاطر اسلام دین جامع و فراگیر بوده و می‌تواند جهانشمول گردد از سویی عناصر جهانی شدن نیز در مذهب تشیع به وفور دیده می‌شود از جمله شیعه بیشترین ملازمت را در بین مذاهب با خرد ورزی دارد لذا این عناصر را می‌توان در عقلانیت، اجتهاد، عدالت، مهدویت و فرازمانی و فرامکانی بودن پیام تشیع ملاحظه نمود و تمام این عناصر مورد تأکید و تصریح تشیع می‌باشد.

در اینجا شایسته است قدری به آیات و قرائن دال بر جهانشمولی اسلام پرداخته شود. از جمله در تعالیم اسلامی از کره زمین، به «بیت» و خانه تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه‌ای مالک این خانه به حساب آمده است. در تفکر قرآنی، انسان، - از هر نژاد و جنسیت و طبقه‌ای - نماینده و خلیفه خداوند در زمین است:

﴿و هو الذی جعلکم خلائف فی الارض﴾^۱

«اوست خدایی که شما را جانشین (خلیفگان) قرار داد».

این مضمون دستکم در سه آیه دیگر در سوره‌های یونس (آیه‌های ۱۴ و ۷۳) و فاطر (آیه ۳۹) آمده است که رسالت کلی همه افراد انسانی را در این زیستگاه که زمین نام دارد، تبیین می‌کند. پیامبران و رسولان الهی نیز راهنمایان برای همه انسان‌ها هستند و تعلیم و تربیت و نظام‌بخشی به زیست فردی و گروهی انسانها را بر عهده دارند تا مدیران جامعه بشری در همه ابعاد باشند.

قرآن کریم در رسالت اولین رسولان الهی چنین گفته است:

﴿و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة﴾^۱.

«و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت».

و در خطاب به داود پیامبر علیه السلام چنین آمده است:

﴿يا داود انا جعلناك خليفة في الارض﴾^۲.

«ای داود ما تو را در زمین به خلافت و جانشینی گماردیم».

این آیات بیانگر آن است که رسول حق نماینده و مدیر منصوب الهی در کل پهنه زمین، مأموریت می‌یابد و نه در بخش خاص یا نژادی ویژه. درباره پیامبر اسلام؛ این رسالت جهانی و فراگیر با صراحت بیشتری مطرح گردیده است:

۱. ﴿تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً﴾^۳.

«بزرگوار است پاک خداوندی که قرآن را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا اهل عالم را متذکر و خدا ترس گرداند».

۲. ﴿قل یا ایهاالناس انی رسول الله الیکم جمیعاً﴾^۴.

«بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم».

۳. ﴿و ما ارسلناک الا کافّةً للناس بشیراً و نذیراً﴾^۵.

«و ما تو را جز مژده‌آور و هشدار دهنده برای همگی مردم نفرستادیم».

این آیات بیانگر آن است که هدف اسلام همانند سایر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کلیت جامعه انسانی در فراختای گیتی و بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است به همین خاطر این ادیان و از جمله اسلام همه حکومت و دولت‌ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزیتی یگانه فرا می‌خواند همچنانکه در آغاز رسالت اسلام، پیامبر به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و... نامه می‌نویسد و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می‌کند.

برای تبیین این اصل محوری، واژه‌های «الانسان» و «الناس» در قرآن بارها به کار رفته است. نزدیک به ۲۴۰ بار کلمه «الناس» در قرآن آمده است و نزدیک به ۶۵ بار کلمه

۱. بقره، ۳۰.

۲. ص، ۲۶.

۳. فرقان، ۱.

۴. اعراف، ۱۵۸.

۵. سبأ، ۲۸.

«الانسان» تکرار شده است که واژه‌ای عام برای همه افراد انسانی می‌باشد و در بسیاری از موارد، عمومیت و کلیت خطاب‌ها بسیار روشن است چون:

﴿قل یا ایها الناس انما انا لکم نذیر مبین﴾^۱.

«بگو: ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم.»

و یا «انی جاعلک للناس اماماً»^۲.

«من تو را پیشوای مردمان قرار دادم.»

در این خطاب‌های قرآنی، هدایت الهی و آموزش‌های پیامبران برای همه انسان‌ها ضروری شمرده شده است؛ و فرق‌ها و امتیازهای موهوم که ممکن است یگانگی و یکپارچگی جامعه انسان را بگسلد، باطل و پوچ معرفی گشته است. و بدین گونه نگرش قرآنی به انسان و رهبران جامعه انسانی، فراگیر و جهانی است که هیچ مرز و مانعی را در راستای اهداف بلند جهانشمول و جهان وطنانه خویش نمی‌شناسد.^۳

در آیه ۱۴۳ سوره بقره به صراحت بر مسأله جهان سازی تأکید شده و آن را مسئولیت خطیر جامعه اسلامی به شمار آورده و از آنها می‌خواهد با تمام توان خود در ساخت و ساز ملت‌ها و اصلاح جوامع بشری در سراسر جهان بکوشند آنجا که می‌فرماید:

﴿و کذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول

علیکم شهیداً﴾.

«و ما همچنان شما مسلمین را به آیین اسلام هدایت کردیم به اخلاق معتدل و سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید تا نیکی و درستی را سایر ملل عالم از شما بیاموزند چنانکه پیغمبر را گواه شما کردیم تا شما از وی بیاموزید.»

همچنانکه قرآن در آیه ۲۸ سوره فتح فرموده است:

﴿هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی

بالله شهیداً﴾.

«و او خدا نیست که رسول خود را با قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و بر حقیقت این سخن، گواهی خدا کافیست.»

۱. حج، ۴۹.

۲. بقره، ۱۲۴.

۳. رک: محمد حکیمی، «جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی»، فصلنامه کتاب نقد، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۱۰۸-۱۱۲.

در این آیه، به برتری فرهنگ اسلامی اشاره شده تا شایستگی هیمنت بر دیگر فرهنگها را در راستای جهانی سازی اسلام و ایجاد حیات طیبه برای همه عالمیان را مبرهن سازد. از دید آیات الهی در چنین حیات مؤمنانه‌ایی برکات الهی جهان را فرا خواهد گرفت:

«ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم برکات من السماء والارض»^۱.

«چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم.»

بدین ترتیب هرگاه ایمان و تقوا (التزام به تعهدات انسانی) در جامعه گسترش یابد و انسانها حریم خود و خدا را حفظ کنند، هر آینه برکات الهی جهان را فرا خواهد گرفت و اگر مسلمانان، جهانیان را به این حقیقت رهنمون شوند، آن گاه است که زمام جهانی سازی بشر دوستانه را به دست گرفته، و مسئولیت پیش گفته خویش را در برابر خدا و خلق به نحو احسن ادا خواهند کرد.^۲ آنگاه فرهنگ اسلامی جهانی خواهد شد و گسترش آگاهی و دانایی و عدل جهان را در بر خواهد گرفت و کلیه نظام‌های سلطه و استثمار جهانی فرو خواهد ریخت.

گفتار سوم - جهانی سازی مهدوی و شاخصه‌های آن

همانطور که بیان شد اسلام دینی با اصول و آرمانهای جهانی است و از همان ابتدای ظهور خویش به دنبال ایجاد حیات طیبه در سطح عالم و برای کلیه ابنای بشری بوده و بدیهی است بنا به معتقدات اسلامی و شیعی، جهانی شدن اسلامی و حیات طیبه جهانی در آخرالزمان و در عصر و دولت مهدی موعود، تحقق قطعی خواهد یافت و چنین جهانی شدنی با هیچ پروژه و یا طرح جهانی سازی فعلی نه از حیث نظری و نه علمی و نه از حیث شمولیت و فراگیری و مقیاسهای موجود قابل مقایسه و اندازه‌گیری نیست و فقط شناخت مقدماتی آن از راه احادیث وارده ممکن است به همین خاطر، قصد بر این است که در سطور آتی پاره‌ای از

۱. اعراف، ۹۶.

۲. ر.ک: محمدهادی معرفت، «جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار یوم موعود»، فصلنامه قیاسات، پاییز ۱۳۸۳،

ویژگی‌های دولت کریمه حضرت مهدی و حکومت جهانی سرشار از حیات طیبه وی - آن هم نه از باب حصر بلکه از باب احصاء و اشاره - مرور و بازیابی گردد:

۱. حاکمیت جهانشمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری

در نظریه‌های جهانی شدن غربی، که زیربنای بسیاری از آنها مکتب لیبرال دموکراسی است، با اعتقاد به نسبییت اخلاقی و ارزشی، اعمال اصل تساهل و رواداری افراطی نسبت به کلیه عقاید و ادیان جزء ادعاهای اصلی است و موضع حکومت بر مبنای لائیسزم، نسبت به دیانت و مذهب، خنثی می‌باشد و از منظر آنها حمایت و جانبداری از یک مذهب، به معنای دخالت در آزادیهای فردی و مخدوش نمودن آزادی عقیده و ابراز عقاید است این در حالی است که سکولاریسم یا عرفی شدن و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی در سرلوحه جهانی سازی لیبرال دموکراسی است. در حالیکه در حکومت جهانی مهدوی، بدون هیچ گونه مجامله و تعارفی، اسلام به عنوان آیین مطلق و برتر و متعالی به جهانیان معرفی و از سوی آنان نیز مورد شناسایی و پذیرش قرار می‌گیرد.

روایاتی در تأیید این مطلب ذکر می‌شود: محمدبن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن

موسی روایت می‌کند که او گفته:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه:

﴿وَلَهُ اسْلَمُ مِنَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾

«یعنی اهل آسمانها و زمین، مطیع و منقاد وی می‌شوند، پاره‌ای از صمیم قلب و پاره‌ای به اکراه».

آن حضرت فرمود: «وقتی قائم آل محمد قیام کند مکانی در روی زمین باقی نمی‌ماند مگر اینکه کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله در آنجا به آواز بلند گفته می‌شود».^۱

همچنین امام صادق علیه السلام ضمن بیان مفصلی درباره عصر ظهور حضرت مهدی می‌فرمایند: «وقتی قائم ما قیام کند... اهل هیچ دینی باقی نمی‌ماند مگر اینکه اظهار اسلام می‌کنند و با ایمان مشهور و معروف می‌گردند...».^۲

۱. علامه محمدباقر مجلسی، مهدی موعود، ترجمه: جلد سیزدهم بحار الانوار، ترجمه: حسین بن محمد ولی ارومیه‌ای، قم، انتشارات مسجد جمکران، بهار ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۲، ص ۲۲۷ (به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۸۱).
 ۲. همان، ص ۲۲۴.

باز از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

درباره این آیه از پدرم (امام باقر علیه السلام) پرسیدند: «با همه مشرکان مبارزه کنید چنانکه همگی به مبارزه شما برخاستند تا اینکه در زمین فتنه‌ای باقی نمانده و دین و آیین از آن خدا باشد»، او فرمود: تفسیر این آیه هنوز فرا نرسیده، چنانچه قائم قیام نماید کسانی که او را درک می‌کنند چگونگی تفسیر این آیه را خواهند دید و سرانجام آیین محمد صلی الله علیه و آله مانند پایان شب به صبح صادق روشن شده و اثری از شرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند همچنانکه فرمود:»^۱

امام باقر علیه السلام نیز باز فرموده است:

«در زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند مگر اینکه آباد گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی‌ماند مگر اینکه دچار حریق گشته و می‌سوزد».^۲

در جای دیگر، امام صادق علیه السلام ضمن پاسخ به سؤالهای مفضل و قابل تطبیق دانستن آیه ۳۳ سوره توبه با عصر حکومت جهانی مهدی علیه السلام به وی می‌فرماید:

«... یاد می‌کنم مفضل، هر آینه اختلاف ملتها و دینها از میان برداشته می‌شود و همه دین برای خدا و یکی می‌گردد چنانکه خدای تعالی فرموده: «ان الدین عند الله الاسلام»^۳ [یعنی دین در نزد خدا، اسلام است و بس] و نیز فرموده: «و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو من الخاسرین»^۴ یعنی هر که غیر از اسلام، دین دیگر بطلبد هر آینه هرگز از او مقبول نمی‌شود و او در روز قیامت از جمله زیانکاران است.

۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی

همگان آگاهند که ویژگی اصلی حکومت جهانی مهدوی عدالت است و شاید احادیث نادری درباره عصر ظهور وجود داشته باشد که به این خصیصه و نیاز، و گم‌شده اساسی بشری

۱. علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۳۵۷ (به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶).

۲. همان، ص ۳۶۱ (به نقل از کمال‌الدین شیخ صدوق، ص ۳۳۱).

۳. آل عمران، ۱۹.

۴. مجلسی، مهدی موعود، پیشین، ج ۲، ص ۳۰۴ - ۳۰۵.

۵. آل عمران، ۸۵.

اشاره ننموده باشند بخاطر همین کثرت فقط به ذکر احادیث معدودی در این باره بسنده می‌شود:

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

... اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به اندازه‌ای طول خواهد داد، تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود...^۱
حکومت جهانشمول مهدوی، در عدالت‌گستری نیز به گونه‌ایی فراگیر و بدون تبعیض عمل می‌کند همچنانکه امام حسین علیه السلام در فراز مهمی می‌فرمایند:

«... اذا قام قائم، العدل وسع وسعه عدل البر و الفاجر»^۲.

«هنگامی که قائم قیام می‌کند، عدل گسترده می‌شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را در بر می‌گیرد».

عدالت مزبور نیز از حیث نفوذ نیز فراخوانی حوزه‌های فردی و اجتماعی بشری را در بر می‌گیرد شاهد این مدعا نیز بیان امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید:
«بدانید همان‌طور که سرما و گرما به داخل خانه‌هایشان نفوذ می‌کند، عدالت او [قائم] نیز به درون خانه‌هایشان راه خواهد یافت».^۳

۲. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه

از روایت‌های پیرامون حکومت جهان شمول حضرت مهدی فهمیده می‌گردد که ناامنی و هراس از زندگانی آحاد بشری رخت بر می‌بندد و امنیتی فراگیر در همه انحاء گیتی برقرار می‌گردد همچنانکه امام علی علیه السلام درباره ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و دیگر برکت‌هایی مانند عدالت می‌فرمایند:

اگر به تحقیق، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید ببارد می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل بندگان زدوده می‌شود و میان دد و دام آشتی برقرار می‌شود؛ به گونه‌ای که یک زن میان عراق و شام

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، قم، دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا]، ج ۵۱، ص ۸۴، ح ۳۵.
۲. همان، ج ۲۷، ص ۹۰، باب ۴، ح ۲۴.
۳. علی سعادت‌پرور، ظهور نور، ترجمه از کتاب الشمس المضيئه، ترجمه: محمدجواد وزیری فرد، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۹۹ (به نقل از: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۴، ح ۵۲۹).

پایه خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می‌گذارد، همه سبزه و رستی است و بر روی سرش زینت‌هایش را گذارده و نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند.^۱

۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنائی عمومی و رفع فقر

در نهضت جهانی سازی مهدوی، شکافها و خندقهای اقتصادی، تبعیضهای ناروا و فقر و فاقه ماحصل از جهانی‌سازی غربی وجود ندارد و نه تنها این شکافها پر می‌گردند بلکه جامعه بشری به استغنائی کامل رسیده و حتی فقیری برای دریافت صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. چند نمونه از شواهد روایی لازم به شرح زیر است:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

چون قائم ما قیام نماید زمین با نور پروردگار خود نورانی و روشن می‌شود، و خلایق از نور و روشنایی آفتاب مستغنی و بی‌نیاز باشند و تاریکی زایل می‌گردد، و مردم در ایام سلطنت آن حضرت بسیار عمر می‌کنند... و زمین خزینه‌های خود را آشکار می‌گرداند، به نوعی که خلایق همه آنها را در روی زمین می‌بینند و مرد در آن وقت کسی را می‌طلبد برای اینکه از مالش به او اعطاء نماید تا اینکه صلّه رحم به جا بیاورد، یا اینکه از وجه زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول نماید یافت نمی‌گردد و خلایق به سبب آن چه که خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی‌احتیاج می‌باشند.^۲

این امام همام، این بی‌نیازی عمومی را چنین تشریح نموده است:

... و در میان خلایق به طریق حکم داود و محمد علیهما السلام حکم می‌کند. در این وقت زمین خزینه‌های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می‌گرداند و در این وقت مردی از شما کسی را نمی‌تواند پیدا کند که صدقه‌ای به او بدهد یا احسانی در حق وی نماید زیرا که همه مؤمنان غنی و مالدار می‌باشند.^۳

توسعه وسیع اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهانشمول مهدوی در روایات نبوی

نیز ظهور آشکار دارد. به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.
 ۲. مجلسی، مهدی موعود، پیشین، ج ۲، ص ۲۲۲، (به نقل از ارشاد شیخ مفید، ص ۳۶۳).
 ۳. همان، صص ۲۲۴-۲۲۵.

يكون في امتي المهدي... يتنعم امتي في زمانه نعيماً لم يتنعموا مثله قط، البر والفاجر، يرسل السماء عليهم مدراراً و لا تذخر الارض شيئاً من نباتها.^۱

در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به رفاه و نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند، همه چه نیکوکار و چه بدکار از آن جمله‌اند. آسمان باران رحمتش را بر آنان بیارد و زمین چیزی از روئیدنیهای خود را پنهان ندارد.

۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری

جهان امروز که در مسیر جهانی شدن گام بر می‌دارد اگرچه از حیث پیشرفت علوم و تکنولوژی، ترقی انکار ناپذیری نموده است ولی نه تنها این پیشرفت موجب رفع آلام بشری و رساندن انسانها به امنیت و آرامش، مساوات و عدالت نگشته است بلکه میلیاردها مجهول دیگر در مسیر اکتشافات بشری قرار دارد که بشر از حل آنها عاجز است و جهانی سازی غربی نیز نتوانسته به رفع این عجز و ناتوانی مدد لازم را بنماید این در حالی است که در عصر حکومت جهانی مهدوی دانش بشری به دستاوردهایی مافوق تصور می‌رسد. امام صادق علیه السلام در بیانی بلیغ، از گوشه‌ایی از پیشرفتهای علمی آن عصر چنین یاد می‌فرماید:

دانش بیست و هفت حرف است. همه علمی که پیامبران علیهم السلام برای مردم آورده‌اند تنها دو حرف بیش نبوده، و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ ولی وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را ابراز می‌کند و آن را در میان مردم گسترش می‌دهد، آنگاه آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند، و همه بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می‌نماید.^۲

روایات دال بر تبیین وضعیت عصر ظهور، بیانگر آن است که عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می‌رسد به فرموده امام باقر علیه السلام:

«وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده و عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می‌رود».^۳

۱. همان، ج ۵۱، ص ۷۸.
 ۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ج ۷۳.
 ۳. سعادت پرور، ظهور نور، پیشین، ص ۲۰۲، (به نقل از اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، ج ۲۵۲).

در دولت جهانی مهدوی، حتی دانش و بینش، آگاهی و شناخت صحیح، مفید، سازنده و کارگشا در خانه‌ها گسترش می‌یابد و حلقه‌های درس و بحث برای زن و مرد در کران تا کران جامعه بشری برقرار می‌شود به فرموده امام باقر علیه السلام:

«... توتون الحکمة فی زمانه حتی ان المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله و

سنة رسوله»^۱

... به مردم زمان قائم علیه السلام آنچنان حکمتی عطاء خواهد شد که حتی زن در کانون خانه خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش عادلانه و آگاهانه داوری می‌کند و نیازی به دیگری ندارد.

علاوه بر تبیین وضعیت عالی دانش و بینش بشری در عصر ظهور، این روایت بیانگر این واقعیت است که مردم در روزگار حاکمیت آن حضرت، براساس آداب و مقررات دینی تربیت شده و احکام شریعت را آموخته و بر پایه‌ایی از فرهنگ و فرهیختگی سیر می‌نمایند که حتی یک بانوی خانه‌دار می‌تواند براساس مقررات کتاب خدا و سیره عادلانه پیام‌آور بزرگ وی، قضاوت کند.

۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی

همچنین جهانی‌سازی عصر مهدوی مبتنی بر استدلال و براهین عقلی است. گواه این مدعا فرمایش امام حسن علیه السلام است که در ضمن فرازی بلند درباره قائم علیه السلام می‌فرماید:

خداوند در آخر الزمان و روزگاری سخت در میان جهل و نادانی مردم، مردی را بر می‌انگیزد و او را با فرشتگان خود تأیید می‌کند و یاران او را حفظ می‌نماید و با آیات و نشانه‌های خویش او را نصرت می‌دهد و بر کره زمین غالب می‌گرداند تا آنجا که مردم پاره‌ای از روی میل و گروهی بی‌میل و با اکراه به دین خدا می‌گروند، سپس زمین را پر از عدل و داد و نور و برهان می‌کند تمام مردم جهان در برابر وی خاضع می‌شوند و هیچ کافری باقی نمی‌ماند مگر آنکه مؤمن شود و هیچ بدکاری نمی‌ماند جز اینکه اصلاح گردد...^۲

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲.

۲. محمود شریعت زاده خراسانی، حکومت جهانی حضرت مهدی از دیدگاه قرآن و عترت، تهران، مؤسسه فرهنگی انصارالحسین، بهار ۱۳۷۱، صص ۲۷۸-۲۷۹ (به نقل از الاحتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۱).

این روایت بخوبی بر این مطلب تصریح دارد که اگرچه برخی از مردم جاهل و گمراه در ابتدای حکومت حضرت ممکن است با اکراه به حکومت وی تن دهند ولی وقتی عدل گستری و برهانهای شفاف و مستدل و نورانی وی را ملاحظه می‌کنند در مقابل حکومت وی خاضع شده و با طوع و رغبت و رضایتمندی تمام به آن تن می‌دهند.

لذا نظام حکومت جهانی مهدوی را باید نظامی بر پایه مشروعیت کامل یعنی واجد مقبولیت، حقانیت و قانونیت دانست. مشروعیتی که مانند برخی از نظامهای سیاسی به اصطلاح مدرن غربی امروزی با دماغوژی یا فریب افکار عمومی، با کنترل، دستکاری آراء عمومی و با نفوذ تبلیغات پردامنه بدست نمی‌آید بلکه محصول رضایت قلبی آحاد جامعه بشری و حتی سایر موجودات عالم است.

۷. گفتمان واقعی و احتجاج با سایر ادیان

بر مبنای آنچه که از روایات بر می‌آید، در جهانی‌سازی مهدوی، اگرچه حضرت مهدی بدون هیچ تعارفی همه موحدین و غیرموحدین و پیروان سایر ادیان را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات بخش آن با قاطعیت تکلیف می‌کند ولی این به معنای اجبار صرف عقیدتی ایشان به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست بلکه محور کار حضرت مهدی - همانطور که از نامشان نیز می‌آید - هدایت جامعه بشری است و بدیهی است اصل و اساس هدایت می‌بایستی مبتنی بر اقتناع باشد. روایات نیز دال بر این مطلب است که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را پیدا کرده و بر اساس نسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجّه، استدلال و گفتگو کرده و بر آن اساس بر آنها حکم می‌راند تا آنکه ایشان به دین اسلام و حکومت جهانشمول مهدوی هدایت گردند. در همین راستا امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

به خدا سوگند یاد می‌کنم هر آینه گویا قائم را می‌بینم در حالتی که پشت به حجرالاسود داده، بعد از آن حق خویش را - یعنی خلافت را - از خداوند عالم می‌طلبد. بعد از آن می‌گوید: ایها الناس! هر که در خصوص خدا با من محاجّه و گفتگو نماید، هر آینه من نزدیکترین خلائقم به خدا. ایها الناس! هر که در خصوص آدم با من گفتگو و محاجّه نماید هر آینه من نزدیکترین خلائقم به آدم علیه السلام. ایها الناس! هر که در خصوص نوح با من گفتگو نماید هر آینه من نزدیکترین خلائقم به نوح. ایها الناس! هر

که در خصوص ابراهیم با من محاجه و گفتگو کند هر آینه من نزدیکترین خلائقم به ابراهیم علیه السلام ایهاالناس هر که در خصوص موسی با من محاجه و گفتگو نماید هر آینه من نزدیکترین خلائقم به موسی. ایهاالناس هر که در خصوص عیسی با من گفتگو و محاجه کند هر آینه من نزدیکترین خلائقم به عیسی. ایهاالناس هر که با من در خصوص محمد صلی الله علیه و آله گفتگو و محاجه کند هر آینه من نزدیکترین خلائقه به محمد. و ایهاالناس هر که با من در خصوص کتاب خدا گفتگو نماید هر آینه من نزدیکترین خلائقم به کتاب خدا. بعد از این سخنان به مقام ابراهیم می‌رود و دو رکعت نماز در آن جا می‌گزارد، بعد از آن حق خود را - یعنی خلافت را - از خدای تعالی می‌طلبد.^۱

امام باقر علیه السلام در بیانی دیگر، برخورد گفتمانی و استدلالی و محترمانه امام عصر علیه السلام با سایر ادیان را چنین بازگو می‌فرماید:

چون قائم اهل بیت قیام می‌کند اموال را بالسویه قسمت می‌نماید و در خصوص رعیت با عدالت حکم می‌کند، پس هر که به او اطاعت نماید هر آینه به خدا اطاعت کرده و هر که با او مخالفت کند هر آینه به خدا عصیان و مخالفت نموده و نامیدن او به مهدی از این بابت است که خدا او را به امورات مخفیة راه می‌نماید و تورات و سایر کتابهای خدا را در انطاکیه از مغاره بیرون می‌آورد و در میان اهل تورات با تورات و در میان اهل انجیل با انجیل و در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می‌فرماید...^۲

۸. حفظ و ارتقاء کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه

در جهانی سازی حکومت مهدوی، کرامت انسانها و حقوق بشر دوستانه نه تنها محوریت دارد بلکه به عالی‌ترین حدّ خود خواهد رسید امیرمؤمنان علیه السلام در بیانی، کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می‌فرماید:

سپس به کوفه روی می‌آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمانان در بندی نمی‌ماند، جز اینکه او را می‌خرد و آزاد می‌سازد و بدهکاری نمی‌ماند، مگر اینکه دین او را می‌دهد و مظلّم‌های نمی‌ماند جز اینکه آن را می‌پردازد و کشته‌ای نمی‌ماند مگر اینکه دین او را می‌دهد... و کشته‌ای نمی‌ماند جز اینکه دین او را پرداخته و خانواده او را

۱. مهدی موعود، پیشین، ج ۲، صص ۲۲۸-۲۲۹.
 ۲. همان، صص ۲۴۲-۲۴۴.

تأمین می‌کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می‌نماید تا آنجایی که زمین را سرشار از عدل و داد می‌نماید، همانگونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لبریز است...^۱

پیامبر مکرم اسلام نیز در بیانی ضمن تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی می‌فرماید:

در آخر الزمان در میان امتم، آن نجات بخش ملتها قیام می‌کند. خدا کران تا کران قلمرو حکومت جهانی او را بوسیله باران سیراب می‌سازد و زمین، گیاه و نبات خویش را می‌رویاند اموال عمومی را به طور عادلانه به مردم اعطا می‌کند و به دانداری و دامپروری اهمیت می‌دهد و امت را تکریم نموده و عظمت می‌بخشد.^۲

رعایت کرامت انسانها و حقوق بشر دوستانه تنها به امام عصر علیه السلام ختم نمی‌شود بلکه یاران وی نیز بر مبنای لحاظ و رعایت این امور با حضرت دست بیعت می‌دهند. علی علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را بنا حق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ دز برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ از اعمال منافی عفت اجتناب کنند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم فناعت کنند؛ طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتیها باز دارند؛ جامه‌های خشن بپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند؛ و... او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آنها برود؛ جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آنچه‌ان که آنها می‌خواهند باشد، به کم راضی و قانع باشد؛ زمین را به یاری خدا، پراز عدل و داد کند آن چنان که پراز جور و ستم شده است؛ خدا را آنچه‌ان که شایسته است بپرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و...^۳

۱. سید محمدکاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و سید محمد حسینی، قم، دفتر نشر الهدی، ۱۳۷۶، صص ۶۷۱-۶۷۲ (به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ص ۲۲).

۲. همان، صص ۷۵۰-۷۵۱، (به نقل از عقدالذکر، چاپ جدید انتشارات مسجد جمکران، ص ۱۴۴، باب ۷).

۳. محمدحسین رحیمیان، جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور، قم، دارالتقلین، ۱۳۷۹، صص ۱۸۳-۱۸۴، (به نقل از روزگار رهایی، ج ۱، صص ۴۶۵ و ۴۶۶).

جهانی سازی حکومت مهدوی، در عین صلابت، مبتنی بر عطفوت، صفا و صمیمیت و مهرورزی و تکریم انسانها بی هیچگونه تبعیضی است حکومتی که حتی خفته‌ایی را بی جهت بیدار نمی‌کند و با چنین آرامش بخشی به عالم بشریت، پناه و مأوای جامعه بشری می‌گردد در توصیف این وضعیت، پیامبر ﷺ می‌فرماید:

مردم به سوی او پناه می‌برند، همچنان که زبوران عسل به ملکه خود پناه می‌برند، عدالت را در سراسر گیتی می‌گستراند، چنان که از ستم پر شده بود، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام به آنها باز می‌گردد، هیچ خفته‌ایی را [بی جهت] بیدار نمی‌کنند و هیچ خونی [به ناحق] ریخته نمی‌شود.^۱

۹. نفی قومیت مداری و نژادپرستی

در نهضت جهانی سازی مهدوی قومیت مداری و نژادگرایی جایی نداشته و از منظرها و ملاک‌های تقوا و شایسته‌سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشری، جهانی اندیشیده و عمل می‌شود. یکی از نمونه‌های صدق این گفتار گزینش ۳۱۳ یار اصلی امام علیه السلام از کشورهای مختلف و بر مبنای ملاک تقوا، شایستگی و کاردانی می‌باشد. نویسنده عالیقدر کتاب «امام مهدی از ولادت تا ظهور» طی تحقیق جالبی به نام و شهرها و کشورهای یاران حضرت مهدی اشاره نموده و براساس جغرافیای امروز، قریب بیست و سه کشور^۲ را به عنوان خاستگاه و محل سکونت این افراد معرفی کرده است^۳ و این امر نشانگر آن است که نهضت جهانی مهدوی، متکی به قومیت و ملیت خاصی نیست و ملاک حرکت و تکاپوی آن و گزینش کارگزارانش، ملاک‌های قرآنی و الهی است و همین امر به همراه سایر ویژگیهای حکومت طیبه مهدوی باعث می‌گردد که حکومت جهانی مزبور مورد رضایت همه اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام‌های سیاسی گوناگون بوده و با اجرای کامل عدالت، جهان شاهد رفع شکاف‌ها و محرومیت‌های ناشی از استکبارورزی و زیاده‌خواهی ملل و دول زورمند، میان ملل و دول عالم باشد و استعدادها و توانمندی‌ها و استیفای فراگیر کلیه حقوق ابناء و جوامع بشری اعم از ضعیف یا قوی محقق گردد و به اصطلاح امروزی جهان نه با توسعه ناموزون بلکه با توسعه

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، قم، مکتبه دآوری، ص ۴۷۸، ب ۷، ج ۲.

۲. برخی از این بلاد و کشورها به شرح زیر است:
عراق، قاره آفریقا، عربستان سعودی، ایران، لبنان، ارمنستان، فرانسه، مصر، ترکیه، یمن، بیت المقدس، سوریه، بحرین، هندوستان، مرو یا خراسان واقع در شوروی سابق، افغانستان، اردن، عمان، پاکستان، اتیوپی، ازبکستان، منطقه قفقاز.

۳. ر.ک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، پیشین، صص ۵۸۷ - ۶۰۰

موزون مواجه گردد.

از ادله دیگر دال بر نفی قومیت پرستی و نژادگرایی نهضت جهانی موعود، کثرت روایاتی است که با وجود عرب و قریشی بودن حضرت مهدی علیه السلام مشعر بر آن است که نه تنها اعراب و قریش در این دولت جهانی به عنوان قوم و طبقه ممتاز شناخته نمی‌شوند بلکه بسیاری از آنها بر حسب آزمایشها و ابتلائات عصر مهدوی، مرتد گشته و فوج فوج توسط حضرت نابود می‌گردند و حضرت نه تنها به خاطر مشابهت قومی با ایشان، ملاحظه آنها را نمی‌کند بلکه بر حسب مبانی متقن الهی، ایشان را به خاطر کفر و نقاشان گردن می‌زند و بر آنها بسیار سخت می‌گیرد.^۱

۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به سایر ملل

از برخی روایات اینگونه به نظر می‌رسد که حکومت جهانی مهدوی و جهانی‌سازی وی در عین حال که عالمگیر بوده و بر سرتاسر آن اسلام و قوانین اسلامی حاکم است ولی سایر ملل نیز در قالب نوعی حکومت مشابه فدرالیسم، ضمن تبعیت از حکومت مرکزی جهانی، دارای آزادیهایی در تبعیت از رسوم و فرهنگ‌های ملی غیرمتعارض با اسلام هستند و حضرت این حق و احترام را برای آنها ملحوظ می‌فرماید: در این راستا احادیثی یادآوری می‌گردد:

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«وقتی قائم قیام کند قطایع و حکومت‌های طایفه‌ای از بین خواهند رفت».^۲

ولی در عین حال امام صادق علیه السلام اذعان می‌فرماید:

«وقتی قائم ما قیام کند به هر منطقه‌ای نماینده‌ای می‌فرستد و به او می‌گوید:

حکومت در اختیار توست هر چه مصلحت می‌بینی عمل کن».^۳

۱۱. نوسازی و احیاء دینی بر مبنای مقتضیات جدید

یکی از ویژگی‌های فرابرد جهانی شدن لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و حرکت بر مبنای تحولات تازه و پاسخگویی به امور جدید است. قبلاً بیان گردید اسلام و بویژه تشیع با اتکاء به

۱. رک: مهدی موعود، پیشین، ج ۲، صص ۲۴۰ - ۲۴۲.

۲. ظهور نور، پیشین، ص ۲۰۲، (به نقل از اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۳ ح ۴۰۹).

۳. همان، ص ۲۰۳، (به نقل از اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۳ ح ۷۱۲).

ماهیت خود و بر مبنای سنت مترقی اجتهاد، این انعطاف پذیری را به عنوان جزء همیشگی خود به همراه دارد. نظام جهانی سازی مهدوی نیز از این خصیصه ضروری غافل نبوده و کاملاً بدان مجهز است و در عصر مهدوی، جهان با احیاء اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد گردید. به فرموده امام صادق علیه السلام:

چون قائم قیام می کند امر تازه و احکامی تازه می آورد همچنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در اول اسلام همینگونه عمل نمود و خلائق را به امر جدید دعوت نمود^۱ ... آن حضرت کارهای مشابه رسول خدا انجام می دهد وی همانگونه که رسول خدا امور جاهلیت را بر هم زد، امور قبل از خود را بر هم می زند و قائم، دین اسلام را تازه می کند.^۲

همین تعبیر نیز در بیان امام باقر علیه السلام آمده است، آنجا که می فرماید:

«قائم کتابی جدید، امری جدید و حکمی جدید می آورد و بر عرب سخت می گیرد»^۳

در روایت ارجمند دیگری از همین امام همام، ایشان ضمن تشبیه سیره حکومت مهدوی با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در ابطال احکام جاهلیت، می فرمایند:

«... همچنین است قائم وقتی قیام می کند باطل می گرداند احکامی را که در ایام مصالحه با کفار در دست خلائق بوده و با عدالت در میان خلائق رفتار می کند»^۴

بدین منوال جهانی سازی مهدوی، معطوف به احیاء و تجدید اسلام ناب و نوسازی جدید آن برحسب مقتضیات جدید بوده و بدیهی است چنین امری منجر به شفافیت اسلام و افزایش پیروی آن دین حنیف خواهد گردید و دیگر نیازی به بحث و فحص های طاقت فرسای علمی و حوزوی برای فهم و دریافت آراء واقعی شارع مقدس نیست و اکثر شیوه های درسی و اجتهادی و استنباطی، کهنه و غیرقابل استفاده خواهد گردید. عالم عالیقدر؛ آیت الله فقیه قزوینی در اثر خویش این مطلب را در تحلیلی جامع اینگونه بیان فرموده اند:

خدا می داند که این تحول مطلوب و مترقی چگونه خواهد بود، اما به نظر می رسد بسیاری از کتابهای فقه و حدیث، نوسازی گردد و نقش بسیاری از موضوعات کتابهای اصولی به پایان برسد، چرا که امام مهدی علیه السلام قواعد عمومی برای دریافت مسائل

۱. مهدی موعود، پیشین، ج ۲، ص ۲۲۴ (به نقل از ارشاد شیخ مفید، ص ۳۶۴).

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. ظهور نور، پیشین، ص ۱۹۹، (به نقل از اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۰، ح ۵۰۲).

۴. مهدی موعود، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۴، (به نقل از تهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴، باب ۷۰، ح ۱).

شرعی و مقررات دینی را بیان می‌کند و در پرتو همانها دانشمندان از بسیاری از بحثهای اصولی و قواعد آن بی‌نیاز می‌گردند.

کتابهای مربوط به شرح حال راویان احادیث که به کتابهای رجالی معروفند و نیز شرح حال و بیوگرافی آنان و تقسیم‌بندی روایات به صحیح و ضعیف اصطلاحاتی از اینگونه، همه و همه نقششان به پایان می‌رسد؛ چرا که این بحثها بیشتر به حدس و ظن تکیه دارد و در عصر غیبت و بخاطر نرسیدن دست مردم به امام معصوم علیه السلام مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در عصر ظهور، مردم به مقررات و احکام قطعی دست می‌یابند و از اینها بی‌نیاز می‌گردند.

و نیز در عصر ظهور، بیشتر کتابهای تفسیری از اعتبار ساقط می‌شود چرا که مردم با رشد فکری و ژرف نگری برخاسته از فرهنگ عصر ظهور، به تفسیرهای برخاسته از نظرات افراطی افراد، بهایی نمی‌دهند، از این رو تنها تفاسیر برخاسته از روایات رسیده از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام باقی می‌ماند.

همینگونه قرائت‌های مختلف از قرآن شریف که دلیلی برای آنها نازل نشده است، برداشته می‌شود، چرا که مردم، قرآن و قرائت صحیح آن را - به گونه‌ای که بر قلب مصفای محمد صلی الله علیه و آله فرود آمده است - از امام مهدی علیه السلام می‌آموزند و تفسیر و پیام و مفهوم آن را، آنگونه که خدا اراده فرموده است می‌شناسند و بر معارف بلند و راز و رمز و شگفتیهای آن که همچنان ناشناخته و پوشیده است، آگاهی می‌یابند...^۱

۱۲. تحول شگرف در حوزه‌ها و فضاهاى ارتباطی و رسانه‌ای

در دولت جهانی مهدوی، فضاهاى ارتباطی و رسانه‌ای دچار تحولات شگرف و بنیادینی خواهد شد که ساده‌ترین تعبیر از روایات وارده؛ بحث استفاده از رسانه‌هایی مانند اینترنت و تلویزیون و ارتباط مردم با یکدیگر از این طرق را به ذهن متبادر می‌کند ولی به نظر می‌رسد که این روایات حاکی از پیشرفتهای وسیعی در این زمینه باشد و بتوان این دوره را از حیث وصف وضعیت رسانه‌ها و ارتباطات به دوره‌ای بسیار فراتر از دوره ظهور ابر رسانه‌ها تشبیه کرد ابتدا روایاتی در این زمینه یادآوری می‌گردد:

۱. امام مهدی از ولادت تا ظهور، پیشین، صص ۷۳۵-۷۳۶.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ان المؤمن فی زمان القائم و هو فی المشرق لیری اخاه الذی فی المغرب و کذا الذی فی المغرب یری اخاه الذی بالمشرق.^۱

مؤمن در عصر قائم در حالیکه در مشرق است، برادر خویش را که در مغرب است می بیند و همانگونه آنکه در مغرب است برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند.

و یا در فرازی قابل تأمل تر فرموده اند:

ان قائمنا اذا قام مدّ الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم، حتی لایکون بینهم و بین القائم برید یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه.^۲

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشف ویژه‌ای می بخشد تا میان آنان و مهدی ما واسطه و نامهرسان یا فاصله‌ای نباشد.

فهم روایت اول با وجود پیشرفته‌های امروزی عرصه فناوری ارتباطات همانند تلویزیون و اینترنت، دشوار و پیچیده نیست اما با توجه به روایت دوم، به نظر می‌رسد که پیشرفته‌های عصر ظهور در عرصه گسترش فضاهای ارتباطی تنها منحصر در تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی نباشد، بلکه این خود مؤمنین هستند که بواسطه سطوح عالی ایمانی خود، بر خوردار از کمالات اعطایی الهی شده و گوش و چشمهای آنان دارای قدرت فرابینی و فراشنوایی فرامکانی و به عبارتی در کلیه مکانها شده و همانطور که می‌توانند در هر لحظه با یکدیگر ملاقات سمعی و بصری داشته باشند می‌توانند به طریق اولی با حضرت مهدی نیز چنین ارتباطی را دارا باشند و از فیض مطلق وجود او در ورای مکانها و زمانها استفاده نموده و در نزد ایشان و برای متابعت و انقیاد دائم از وی دائم الحضور باشند. بدیهی است در عصر حضور که هر چیز به کمال نهایی خود می‌رسد تجهیز انسانهای مؤمن - به عنوان اشرف مخلوقات - به چنین مواهب الهی دور از ذهن نیست و به همین خاطر می‌توان تصور کرد که با این پیشرفته‌ها در خلقت انسانهای برگزیده، کشف سایر کرات در فضاهای لایتنهای و افشای میلیاردها اسرار نهفته در کائنات برای بشر عصر ظهور نه تنها ممکن، بلکه به منتهای حد تحت رهبری زعیم موعود، صورت خواهد گرفت و اسرار بی‌شمار کائنات برایشان کشف خواهد گردید.

۱. همان، ص ۷۷۳. (به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛ معجم احادیث الإمام المهدی، ج ۴، ص ۵۶) و مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. همان. (به نقل از کافی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ خرائج ج ۲، ص ۸۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۷) و مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

۱۲. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جانداران

جهانی سازی مهدوی همانند جهانی سازی غربی تأثیرات و تبعات تخریبی نسبت به محیط زیست و ساکنان موجود در آن ندارد، همانگونه که امروزه جهان با مشکلات زیست محیطی عظیمی همانند سوراخ شدن لایه اُزون، گرم شدن زمین بر اثر گازهای گلخانه‌ای، نابودی جنگلها، روند رو به انقراض پاره‌ای از موجودات، آلودگیهای صنعتی و شیمیایی محیط زیست و... مواجه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی زیبا، خشنودی کلیه موجودات انسانی و غیرانسانی را از حکومت جهانی حضرت مهدی را با عبارت «یرضی عنه ساکن الارض والسماء»^۱ بیان فرموده‌اند و در بیانی دیگر، حکومت مزبور را مایه رفاه و فرح و شادمانی کلیه موجودات به شمار آورده و می‌فرماید:

«فیفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر»^۲

«ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرحناک هستند.»

بسیار بدیهی است که این شادمانی بدون تصور رعایت آرمانی حقوق کلیه جانداران و حفظ حقوق محیط زیست آنها در دولت جهانشمول مهدی موعود، قابل تحقق و میسر نیست. همچنین در روایتی از امام حسن علیه السلام نقل شده که حتی «در دولت حضرت مهدی، درندگان آزادانه [و بدون مزاحمت] زندگی می‌کنند»^۳ و این امر بیانگر اوج صلح و آرامشی است که دولت جهانشمول مهدوی برای بشریت به ارمغان خواهد آورد، دولتی که عالم را به سمتی سوق خواهد داد که تمام آیات الهی به منتهای ظهور خود برسند، حق و باطل از هم جدا شوند و بنا به پاره‌ای استنباطها، دیگر معصیت خدای سبحان انجام نشود و باری تعالی؛ با کمترین دخالت هوای نفس و بدون وسوسه شیطان، به طور خالص عبادت گردد تا جائیکه مردگان نیز با اشک شوق خواهان رجعت به دنیا و احیای خویش از خداوند می‌گردند تا افتخار و آرزوی زندگی در این دوره نیز برای آنها نیز محقق گشته و یاری‌گر موعود الهی باشند.

۱. ر.ک: ظهور نور، پیشین، ص ۲۰۷، (به نقل از التشریف بالمنن، ص ۱۴۶، ح ۱۷۵).

۲. منتخب الاثر، پیشین، ص ۴۷۲، ب ۳، ح ۳.

۳. ر.ک: شریعت‌زاده خراسانی، حکومت جهانی مهدی از دیدگاه قرآن و سنت، پیشین، ص ۲۷۹، (به نقل از الاحتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۱).

در مقاله حاضر، در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، مفهوم جهانی شدن یا جهانی‌سازی و برداشت‌های مختلف از آن تبیین گردید. بیان شد که یکی از اصلی‌ترین آموزه‌های این پدیده، در حال حاضر، جهانی‌سازی غربی یا آمریکایی است سپس با تشریح پیامدهای کلیت راهبرد مزبور، و ضمن عدم نفی پیامدهای مثبت آن، تبعات منفی و ویرانگر جهانی‌سازی غربی نیز بیان شد. مبرهن گردید در بطن این آموزه چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، سلطه-گری، هژمونی طلبی، استکبارورزی، استثمار و امپریالیسم نهفته است و این گونه جهانی‌سازی به دلیل ماهیت تعرضی و استکباری و انحصار طلبانه خویش، فرایندی مادی، یکسویه، مصنوعی، و غیر جهانشمول و سکولار است که هدفی جز یکپارچه‌سازی جهانی و ادغام آن در بازار مشترک جهانی به رهبری دنیای سرمایه‌داری و سردمداری آمریکا را دنبال نمی‌کند، بازار سودگرایانه و سود محورانه مادی که همه مؤلفه‌های حیات اجتماعی از اقتصاد و سیاست تا فرهنگ را به زبان منفعت‌طلبی و استکبارورزی و سلطه‌بی‌چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر آنها علیه سایر کشورها و فرهنگ، ترجمه می‌کند و مدعی جامعه جهانی تک قطبی سرمایه‌سالارانه و میلیتاریستی است و می‌توان آن را یک پروژه تحمیلی و یک طرح مهندسی اجتماعی در سطح کلان سیستمی دانست که تلاش می‌نماید ایدئولوژیهای غربی را با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری به کل جامعه بشری تحمیل کند و از این طریق در صدد فراگیر کردن شیوه زندگی آمریکایی و غربی کردن انسانها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سود و سرمایه است و نابودی سنن و فرهنگ‌های محلی، و امحاء ادیان رقیب، نابودی محیط زیست، و وابستگی مستمر کشورهای ضعیف به کشورهای غربی را دنبال می‌کند و به دروغ سعی دارد نظام فکری و اجرایی لیبرال دموکراسی را به عنوان الگوی تکاملی مشترک برای کل جوامع انسانی معرفی و دیکته کند در حالیکه در عمل، ناکارآمدی این ایده چه در سپهر اندیشه و چه در حوزه عمل و اجرا، ثابت شده و بحرانهای فعلی گریبانگیر رژیمهای غربی مؤید اثبات این مدعا است.

از سویی در جهت اثبات مدعای مقاله، به جهانشمولی تعالیم عالیه اسلام و سزاواری آموزه جهانی‌سازی مهدوی برای ارائه الگویی جهانشمول، فراگیر، امیدزا و تحرک آفرین جهت تکامل جامعه بشری و نجات آن از ورطه‌ها و حرمانها و تنگناهای موجود، به گونه‌ایی مستدل

اشاره گردید. به اذعان مستدلان پژوهش، آموزه جهانی‌سازی مهدوی می‌تواند ترجمان بخش مثبت فرایند جهانی شدن فعلی باشد یعنی با استفاده از عرصه‌های مختلف فن‌آوری و سایر مواهب خداداد در عصر ظهور، همانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کرده و محرومیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد. هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی و انسانی را بر جهان حکمفرما کند و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را در میان بشریت ایجاد نماید. دولت جهانی مهدوی، با زعامت آخرین معصوم الهی، می‌تواند خاتمیت دین و رسالت جهانشمول نبوی را تکمیل و معنا بخشد و مردم دنیا را هم‌پیکر نموده تا همانند یک اندامواره و با تبعیت از تعالیم عالیه و نوسازی شده اسلامی، در فکر صلاح و اصلاح یکدیگر برآمده و در سنگری واحد علیه تمام عوامل مختل تکامل بشری و پلشتیهای گیتی و زیست بوم خود مبارزه نمایند و با رخت بر بستن هوا و هوس‌های شیطانی به عبودیت و خلوص در پرستش الهی واصل گردند. بدیهی است این امر، تنها در پرتو حکومت جهانی مهدوی و تشخیص ویژه آن به شاخصه‌هایی از جمله موارد زیر میسر است.

۱. حاکمیت جهانشمول اسلام و برجیدگی شرک و اختلافات بشری.
 ۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی.
 ۳. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه.
 ۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنائی عمومی و رفع فقر
 ۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری
 ۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی
 ۷. گفتمان واقعی و احتجاج با سایر ادیان
 ۸. حفظ و ارتقاء کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه
 ۹. نفی قومیت مداری و نژادپرستی
 ۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به سایر ملل
 ۱۱. نوسازی و احیاء دینی بر مبنای مقتضیات جدید
 ۱۲. تحول شگرف در حوزه‌ها و فضاهاى ارتباطی و رسانه‌ایی
 ۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جانداران
- واضح است دولت جهانی مهدوی با این ویژگیهای آرمانی خواهد توانست طرح آرمانی جهانی‌سازی دولت کریمه اهل بیت و حیات طیبه موعود قرآن را در فراخنای گیتی محقق نماید.